

جامعیت، از امتیازهای فلسفه فارابی است/ مؤسس فلسفه دوره اسلامی

رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به اینکه از امتیازهای فلسفه فارابی جامعیت آن است، گفت: او فلسفه را از سیاست، زندگی مدنی و گفتار و رفتار مردم جدا نمی‌دانست.



رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به اینکه از امتیازهای فلسفه فارابی جامعیت آن است، گفت: او فلسفه را از سیاست، زندگی مدنی و گفتار و رفتار مردم جدا نمی‌دانست.

به گزارش خبرنگار مهر، وبینار بین المللی فارابی با همکاری جمهوری اسلامی ایران و قزاقستان روز گذشته، (۲۸ مهرماه ۱۳۹۹) با حضور اساتید و بزرگانی از کشورهای سراسر جهان برگزار شد. این برنامه به مناسبت تولد ۱۵۰ سالگی فارابی به صورت مشترک میان دو کشور ایران و قزاقستان برگزار شد و میهمانان متعددی از کشورهای کانادا، مصر، فنلاند، انگلستان، یونان، قرقیزستان، پاکستان، هلند، ازبکستان و قزاقستان حضور داشتند.

یکی از سخنرانان این مراسم، رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بود که مشروح سخنرانی وی در این وبینار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است؛ متن این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

از زندگی فارابی اطلاع دقیق نداریم. آنچه می‌دانیم این است که او در قریه وسیج از قراء اطراف فاراب (که شهری در قزاقستان کنونی است) به دنیا آمده و در نوجوانی همراه پدر که نظامی و لشکری بوده به بغداد رفته و در آنجا درس خوانده اما در بغداد نمانده و به سوی غرب مهاجرت کرده و در شام اقامت گزیده است. اگر از زندگی او اطلاع کافی نداریم خوشبختانه اغلب آثار او برای ما مانده است. بر اساس مطالب همین آثار است که می‌توانیم او را مؤسس فلسفه دوره اسلامی بدانیم. بیشتر آثار فارابی موجز است اما این آثار موجز شامل همه شعب منطق و فلسفه می‌شود. یکی از این آثار هم کتاب مهمی در موسیقی است.

از امتیازهای فلسفه فارابی جامعیت آنست. او فلسفه را از سیاست و زندگی مدنی و گفتار و رفتار مردم جدا نمی‌دانسته است. البته سیاستی که او وضع کرده به آسانی قابل تحقق نبوده و شاید به همین جهت اخلافش آن را بسط نداده اند ولی همین که دنباله سعی افلاطون و ارسطو را در عالم غیر یونانی (اسلامی) گرفته و نظر استادان یونانی را بر اساس اصول و درک تازه ای قرار داده و تفسیر کرده است، اهمیت دارد. تصرفی که فیلسوفان جهان اسلام و در صدر آن فارابی در فلسفه یونانی کردند بر خلاف آنچه در ظاهر فهمیده می‌شود این نبود که به حکم اعتقاد و بنا بر پیروی از اعتقادات مسلمانی خدای ارسطو را که صرفاً علت غایی بود به صورت خدای قادر مرید و علت فاعلی موجودات تصویر کنند. فارابی و اخلافش با نظری متفاوت نسبت به موجودات می‌نگریستند. آنها موجودات یعنی ماهیات را ممکن به معنی خاص می‌دانستند و ممکن به معنی خاص چیزی است که می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد و اگر هست علتی دارد. موجوداتی که هستند علت دارند. به این ترتیب معنی موجود و مقام علت در آغاز فلسفه دوره اسلامی صورت دیگر پیدا کرد.

این فلسفه در آثار فارابی تدوین اجمالی پیدا کرد. فلاسفه ای که بعد از او آمدند مطلب را تفصیل دادند و امکان های نهفته در آن اجمال را کشف کردند. کار این فلسفه در بسط خود بالاخره به صورت حکمت متعالیه ملاصدرا در آمد. فارابی مقصد فیلسوفان را رسیدن به حقایق برهانی می‌دانست و کوشید آراء افلاطون و ارسطو را با هم جمع کند. او معتقد بود که فلسفه یکی است و علم برهانی است. فلاسفه هم با هم اختلاف ندارند و اختلافشان ظاهریست. زبان ها را نیز تقسیم کرد و زبان برهان را برترین زبان دانست. تا اکنون هم فیلسوفان جهان اسلام، فلسفه درست را فلسفه برهانی می‌دانند. اکنون ما از مقام فارابی در تاریخ فلسفه اسلامی و اثری که بر اخلافش داشته است کم و بیش آگاهی داریم یا می‌توانیم آگاهی داشته باشیم. اما اینکه با او چه نسبتی داریم و از او چه می‌توانیم بیاموزیم چیز چندانی نمی‌دانیم.

اگر او بزرگ بوده است که در آن تردید نداریم باید بزرگی او را بشناسیم. ما ایرانیان که در طی مدت هزار سال میزبان فلسفه فیلسوف مهاجر بوده ایم و او را از خود می‌دانیم باید از آنچه او آموخته درس های تازه بگیریم. مردم قزاقستان هم که فارابی را به معنی امروزی لفظ هموطن خویش می‌شناسند حق دارند که به او افتخار کنند و البته اهل نظر و فیلسوفان آن کشور موظفند که آثار او را بخوانند و ببینند آنها که اخلاف فارابی اند چه درس هایی از فیلسوف خویش

می-توانند بیاموزند. به عبارت دیگر همه ما باید ببینیم که در فلسفه موجز فارابی چه درس هایی مضمراست که در زمان کنونی می تواند راهگشا باشد. از کوششی که سفارت محترم قزاقستان برای بزرگداشت فارابی ترتیب داده است همه اهل فلسفه باید خشنود و سپاسگزار باشند.